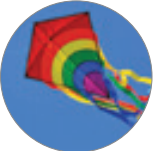


بر بال خیال



بادبادک

باد بازیگوش

بادبادک را

بادبادک

دست کودک را

هر طرف می برد

کودکی هایم

با نخِ نازک به دست باد

آویزان!

فیصر امین پور

دوست

در دیگران می جویی ام اما بدان ای دوست

این سان نمی یایی ز من حتی نشان ای دوست

من در تو گم گشتم مرا در خود صدا می زن

تا پاسخم را بشنوی پژواک سان ای دوست

در آتش تو زاده شد ققنوس شعر من

سردی منک با این چنین «آتش به جان» ای دوست

گفتی بخوان خواندم اگر چه گوش نسپردی

حالا که لالم خواستی پس خود بخوان ای دوست

من قانعم، آن بخت جاویدان نمی خواهم

گر می توانی یک نفس با من بمان ای دوست

یا نه تو هم با هر بهانه شانه خالی کن

از من من این بر شانه ها بار گران ای دوست

ناهربانی را هم از تو دوست خواهم داشت

بپهوده می کوشی بمانی مهربان ای دوست

آن سان که می خواهد دلت با من بگو آری

من دوست دارم حرف دل را بر زبان ای دوست

محمد علی بهمنی

امثال الحكم

بال دِه نینگ بیلَن

آغزینگ سوجیمز

ضرب المثل ها از گذشته های دور به دست ما

رسیده اند و امروزه ورد زبان بزرگان مان هستند.

در این شماره به یکی از ضرب المثل های قوم

ترکمن از زبان «رحیم صمدی» می پردازیم. از نگاه

او مثل «بال دِه نینگ بیلَن آغزینگ سوجیمز» به

این معناست که با گفتن غسل دهان شیرین نمی

شود که معادل ضرب المثل معروف «با حلوا حلوا

کردن دهان شیرین نمی شود» است.

یک آفرین به فرمانداری بجنورد

در حاشیه بازتاب یک مطلب

مر تضری

پیگیری های روزنامه «خراسان شمالی» و انعکاس

درددل های هنرمند چیره دست موسیقی ترکمن

خراسان شمالی گویا بالاخره نتیجه داده و قرار

است امروز جلسه ای در فرمانداری تشکیل و



مر تضری

مهربان بود و صمیمی، آن قدر که همکلام شدن با او دنیای تازه ای را پیش رویت می گشاید و ضرپاهنگ کلامش تو را به روزهایی می برد که از شوق زندگی لبریز است. لیخند بر لبان استاد «یدا ... کابلی» چهره ماندگار خوشنویسی می نشینند وقتی از او درباره عطشی که در روزگار جوانی برای آموختن خط شکسته نستعلیق داشت می پرسم: روزهایی که پشت ویتترین عتیقه فروشی ها به دنبال این خط می گشت. لیخندش حاکی از رضایت است از این که او را به روزهای پرشور نوجوانی و جوانی می برم؛ روزهایی که با مشق کردن کپی آثار اندکی که از خط شکسته در آن دوران وجود داشت، می گذشت و او عهد کرده بود در برابر این تصمیم از هیچ تلاش و کوششی دریغ نکند و عشق، ایمان و توکل را سرلوحه کارش قرار دهد. گفت و گوی ما را با استاد کابلی خوانساری، احیاگر خط شکسته نستعلیق در شصت و نهمین بهار زندگی اش در ادامه می خوانید.

نام خط شکسته فکر کنم، ماه ها گشتم اما نمونه ای از این خط پیدا نکردم و یادم آمد در خیابان منوچهری و در عتیقه فروشی ها نمونه های آثار خوشنویسی را می گذاشتند و از مدرسه که می آمدم، تمام مسیر را می گشتم و در نهایت یادم آمد در موزه ها چنین آثاری وجود دارد بنابراین موزه به عنوان یکی از فرصت های بسیار مطلوب من برای رسیدن به پدیده جدیدی که در ذهنم نقش بسته بود، محسوب می شد که تمام اوقات فراغتم را بعد از مدرسه پر می کرد.

با توجه به ارتباط تنگاتنگ ادبیات و خوشنویسی از شعر کدام شاعران بهره گرفتید و کدام شاعران در روند فعالیت تان تاثیر گذار بودند؟

در خط شکسته برای این که اشعار خوانده شود رسم بر این بود که نام شاعر را می نوشتند. این مقوله باعث می شد برای خواندن یک قطعه کتاب تهیه کنم و من آرام آرام مجموعه ای از کتاب های شعر را خریداری کردم. در سنین جوانی، به شعر حافظ روی آوردم و کم کم با بوستان و گلستان سعدی و غزلیاتش و بعدها هم با رباعیات خیام و باباطاهر آشنا شدم.

اما پیوند خوردن با شعر معاصر از مزایای ورودم به دنیای خوشنویسی بود و من به شدت با شعر «سایه» نزدیک بودم. هر آدمی در عالم

■ «هادی روشن ضمیر» که سال هاست در عرصه خوشنویسی، نقاشی خط و حجم فعالیت می کند این روزها مشغول ساخت تندیس دو متری از مجموعه عشاق است که اگر چه هنوز در مرحله مدل سازی قرار دارد اما تا یکی، دو ماه آینده به اتمام می رسد. این تندیس قرار است برای فضای محیطی از جنس برنز ساخته و در یکی از مجموعه های تهران نصب شود.

■ «صادق آدینه» ترانه سرای استان، دست به کار شده و این روزها مشغول سرایش ترانه هایی به زبان فارسی برای خراسان جنوبی است که قرار است، «حائبدان» به عنوان یکی از آداب و رسوم قدیمی سوزۀ ترانه این هنرمند قرار گیرد و با صدای «مهدی صاحبی» در قالب تک آهنگ عرضه شود.

او البته پیشنهادهای مختلفی از استان های خراسان و پایتخت دارد و قطعه ای به زبان محلی با نام «اسمر» به معنای «دختر گندم گون» سروده که قرار است آهنگ سازی آن را «بهنام ابوالقاسم پور» از آهنگسازان خوب بجنورد بر عهده بگیرد و با صدای «داوود رستمی» تولید شود.

خوشنویسی می گردد تا شعری پیدا کند که قابلیت های عاطفی، انسانی و اجتماعی اش را داشته باشد بنابراین گمان می کنم با بن مایه شعر سایه خیلی الفت پیدا کردم. از شعرایی که ساده تر شعر می سرودند می توانم به سهراب اشاره کنم و کم کم با فریدون مشیری در دوران معاصر آشنا شدم و او یکی از شاعرانی بود که مطلوب ذهن من بود و از آن استفاده کردم.

در زمره هنرمندانی هستیید که اشاعه هنر خوشنویسی را در دیگر کشورها سرلوحه فعالیت های تان قرار دادید؛ اقبال جهانی به خوشنویسی را چگونه دیدید؟

هنر خوشنویسی به عنوان هنر ملی، اصیل، ارزشمند و تاریخ سازیکی از مولفه های فرهنگ و تمدن سرزمین ما در هر گوشه از جهان محسوب می شود و علاوه بر نمایش آثار زیبای خوشنویسی در موزه های ایران، در موزه های بزرگ جهان همچون اروپا و آمریکا که هیچ گونه آشنایی با این هنر ندارند زیباترین نمونه های درخشان تاریخ خوشنویسی به چشم می خورد. این هنر به دلیل اتصال و ارتباط تنگاتنگی که با مضامین شعری و ادبیات دارد به شکل قطعه، مرقع و کتابت به دیگر کشورها سفر کرده است. از آن جایی که این هنر را هنر ملی ایران می دانند هر وقت خواستند هنری را عرضه کنند، خوشنویسی جزو انتخاب های اول بوده است به گونه ای که در کمتر موزه ای در دنیا می توانیم اندازه یک کف دست نقاشی ایرانی ببینیم اما تقریباً در کمتر

موزه ای می بینید که اثری از خوشنویسی وجود نداشته باشد. بنابراین این مولفه ای است برای این که این هنر به عنوان هنر قدسی همیشه مورد اعتبار باشد و این اعتبار تمام ارزش ها و موارث سرزمین ما را منتقل کرده است.

در مصاحبه ای گفته بودید مدیریت هنر در کشور، سلیقه ای است نه مدیریت مبتنی بر کارشناسی؛ در این مورد توضیح می دهید؟

امروز استعدادهای جوان به سمت تقلید و کپی کاری برده شده اند و مدام کپی های بپهوده انجام می گیرد و اجازه داده نشده است جوان ها کوچک ترین بروز و ظهور شخصی داشته باشند. برخی استادان با اغراق و گرافه گویی در تعریف و تمجید به نوعی فضای نامساعدی را برای استعدادهای جوان ایجاد می کنند و به سرکوب جوان هایی که با شیوه هایی متفاوت از شیوه قدما می نویسند می پردازند. از این رو گمان می کنم که این مدیریت های سلیقه ای راه به جایی نمی برد. بنابراین پیشنهاد می کنم جوان ها را آزاد بگذاریم تا هر گونه علاقه مند هستند بنویسند و در گذشتگان ریشه کنند و کاری فراخور روزگار امروز خوشنویسی ارائه دهند، همان چیزی که در تمام عرصه های هنرهای تجسمی اتفاق افتاده است و در دنیای معاصر سیر می کند. اما با توجه به این تفکر در خوشنویسی بسیار عقب هستیم. به نظر می رسد انجمن خوشنویسان ایران، استادان و مدیران مسئول آموزشی باید به این مقوله توجه کنند و جلوی این امر را بگیرند و هنرمندان را توجیه کنند که ادامه این مسیر چیزی جز شبه هنر نیست.

جریان خوشنویسی را در استان ها به ویژه در خراسان شمالی چگونه می بینید و چه پیشنهادی برای ارتقای این هنر در شهرستان ها دارید؟



۴۰ میلیون تومان برای ساخت خانه کمک کند. روزنامه خراسان شمالی گفت و گویی را با عنوان «حرف های تلخ آنا مراد» در تاریخ ۲۲ تیر امسال منتشر کرد و در آن به درد دل های هنرمند پیش کسوت موسیقی ترکمن، «آنا مراد رستگاری»، پرداخت.

گفت و گو با «یدا ... کابلی» چهره ماندگار خوشنویسی

سرمشق های استاد

اتصال به مبدأ زیبایی است به خصوص در عرصه خوشنویسی با توجه به مضامین متبرک و متعالی که در دنیای خوشنویسی وجود دارد باید متوجه باشیم هدف مان چیست؛ ترکیبی از اعتقاد باطنی و ذاتی و یک تلاش بیرونی. در واقع معتقدم رنگ تازگی بخشدن به هنر و حیات تازه در آن ایجاد کردن در کنار تلاش برای جهانی کردن هنر راز ماندگاری آن است.

این بیت «گویند سنگ لعل شود در مقام صبر، آری شود و لیک به خون جگر شود، چه چیزی را در ذهن تان تداعی می کند؟

این شعر یادگار دیرینه من با استادم «حسین میرخانی» است و در واقع وقتی از استاد «میرخانی» خواستم به من خط شکسته تعلیم بدهد، این شعر سرمشق بود و از آن جایی که عهد کرده بودم در برابر این کار دشوار دوام بیاورم و کوشش کنم، عشق، ایمان و توکل را که ۳ اصل مهم برای رسیدن به هر هدفی است سرلوحه فعالیت ام قرار دادم.

بجنورد را چگونه شهری دیدید؟

بجنورد شهری باستانی و تاریخی است و با توجه به فضاهای سبز و دامنه های گسترده ای که بدهد، این شعر سرمشق بود و از آن جایی که عهد تورستی بسیاری دارد و بالاترین جاذبه، جاذبه معرفتی و انسانی است که در این شهر و در هر شهری می تواند باشد تا بتواند جذابیت را برای هر نوع سلیقه ای کامل کند.

مبللمان تخت جمشید



این یک حراج نیست

یک تخفیف شیرین است

فقط ۱۰ روز

بجنورد | نبش چهارراه نادر | حسینیه ۰۵۸۳۲۲۴۰۷۸۴